

# تظور مساجد روستائی

۲

B.e

مساجد ایرانی که از شبستان‌های تشکیل یافته است

شبستان سرپوشیده

در آغاز این بررسی قبلاً "ذکری از قدمت تالارهای سرپوشیده چند جنبه‌ای بمیان آمد که پوشش آنها بیاری نقاط اتکاء متعددی از چوب، سنگ یا آجر حاصل گشته و این پوشش بصورت سطح مسطح بر روی تیرکهای چوبی یا طاقهای آهنگ بهم چسبیده یا با گنبدهای کوچکی احداث شده است (شکل ۲)

این ساختمانها که همیشه جنبه عملی آنها در ایران با ارزش بوده است بزودی بوسیله معتقدین به آئین جدید مورد اقتباس قرار گرفت. این بناهای نسبتاً کم ارتفاع که اغلب نیمی از آنها در داخل زمین قرار دارد پناهگاه بسیار خوبی برای نماز هنگامیکه برگزاری آن در هوای آزاد عملی نبود بشمار میرود. این فضاهای سرپوشیده که در قرن هفتم میلادی در معماری ایرانی بسیار متداول بود بعنوان عنصری در ترکیب نهائی مساجد متعددی داخل گردید مثلاً "در قهی، اخند و در نقاط دورتری مانند اشکرد آنرا خواهیم دید (شکل ۲۰) اما این عنصر معماری در نواحی ایران که دارای آب و هوای نامساعدی است (در اهر

## در اصفهان

نوشته: ماکسیم سیرو

ترجمه: کرامت اله افسر

و سراب وغیره واقع در آذربایجان) نیز بصورت اینیه‌ای کاملاً مستقل درآمد.

X شاپورآباد قصبه کوچک حصار داری است که در جنوب آن (در قرن هشتم هجری) یک پست نظامی بنا گردید. در آنجا مقبره‌ای را پیدا کردیم.

در شمال قصبه در خارج از حصار آن نزدیک مظهریک قنات بنای ساده بدون تزئین اما مزاده شاه فیروز برپا شده است. در بعضی جاهای دیوار حصار قصبه که بسیار ضخیم بوده و اصالت آن حفظ شده است (دیوارهای حصار در چند دوره تعمیر شده است) مصالح قدیمی آن که احتمالاً "مربوط به پیش از اسلام است دیده میشود (۱)

(۱) در زاویه داخلی جنوب شرقی حصار بقایای یک قصر سلجوقی در جزو مساکن بجای مانده. این بقایا در مصالح ساختمانی اولیه حصار نقش بسته است.

مسجد جمعه ده در وسط آبادی دهکده قرار دارد بنائی است کوتاه و جسیم که یک محوطه چهار ضلعی را تقریباً "بابعاد ۱۳/۸۰×۱۸/۷۰ اشغال کرده است. فضای داخلی که جزوهای درشتی (۱/۳۰×۱/۳۰) آنرا پر کرده از سه چشمه ترکیب یافته و هر چشمه‌ای را چهار قبه روستائی پوشانده است .

دیوارها دارای طاقهای عمیقی است که عمق آنها در حدود ۱/۰۵ متر است و به ستونهای درشتی اتصال می‌یابد که این ستونها در راستای جرزهای مرکزی قرار گرفته است . همگی این بنا یک انباری را در نظر مجسم می‌سازد که موارد استعمال متعددی داشته تا اینکه محلی برای عبادت باشد . عنصر بسیار جالب این بنا محراب آنست که بخاطر وضع عمومی ساختمان نتوانسته است در محور دیوار جنوبی واقع شود . بنابراین در مقابل درب شمالی در دومین طاقنمای جنوبی تعبیه شده است ( شکل ۱۷ ) .

این محراب کج‌بری که در دیوار عقب ساخته شده هرچند که بواسطه دوغ‌آبهای آهکی سست گردیده سالم بجای مانده است . محراب از یک کادر بزرگ تشکیل یافته که ابعاد آن ۱/۳۴×۱/۸۲ است و یک کج‌بری معقر در آن کنده کاری شده است ( ۵/۲۷۱ ) در فضای داخلی محراب دو ستون جانبی قرار دارد که به دوسر ستون حامل دو گلدان توپر ختم میشود . برفراز این دو گلدان ربع طاق محراب بطرز نسبتاً " ساده‌ای صدف نه پره‌ای را تشکیل داده که لبه پره‌های آن بصورت سجاف برجسته درآمده است . در زیر این تزئین طرح برگ شبدری ضعیفی از خشونت دیوار کاسته است . بررسی‌هایی که راجع به این محراب بعمل آمده تاریخ آنرا در اواسط قرن دوم هجری مطابق قرن نهم میلادی یا

در نث دوم قرن سوم محتمل می‌سازد یعنی در شکوفاترین دوره خلافت عباسی ( ۲ ) . مسجد بنای دوباره بکار گرفته‌ای است که بنای اصلی آنرا که مقدم بر مسجد است نمیتوان بطور قطع تعیین تاریخ کرد : استخوان بندی ساختمان بحدی باستانی است که میتوان آنرا بیشتر به عصر ساسانی نسبت داده تا باوایل اسلام .

مدخلهای اصلی شامل دو درب است . اول در اصلی در سمت شمال که توسط دالانی که به پس‌کوچه باز میشود حفاظت میگردد . درب دوم جانبی است و در سمت مغرب واقع شده و دالانی سرباز که جدیداً ساخته شده در جلوی آن قرار دارد . در زیر این پناهگاه در طرف راست یک شاه نشین پر عمق است که دیوار عقب آن قدیمی است . در این شاه‌نشین چاهی قدیمی وجود دارد : از این دهانه از یک آب انبار که در همان جهت و پائین تر در جبهه غربی در داخل زمین تعبیه شده است آب کشیده میشود . می‌توان اندیشید که تمام این تاسیسات یعنی آب انبار و چاه و مدخل ثانوی هنگامی که بنا به مسجد تبدیل یافته ساخته شده است .

در زمان صفویه در دیوار ته نخستین کونوسازی (۳) جنوبی نزدیک مدخل دوم - درب سومی احداث شد که با مدرسه کوچکی ارتباط یافت . از این مدرسه که کلاً " در سال ۱۹۶۳ بازسازی شده چیزی دست‌نخورده بجز یک ایوان بزرگ که در دو طرف آن دو راهرو قرار دارد باقی‌نمانده است . این قسمت و باقی مانده چند قوس که به دیوار جنوبی مسجد تکیه دارد ( در زیر یک دهلیز جدید ) از نوع معماری دوره صفویه بوده‌اند ( قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی ) . بنابراین این بنا کاملاً " بسته در عین حال زمخت از روز اول از چهار طرف مجزا بوده است . بررسیهای دیوارهایشان

( ۲ ) مراجعه شود به کتاب راه‌های اصفهان صفحه ۲۲۶ . اگر این تالار برای مسجد ساخته شده بود می‌بایستی تقارن داشته ( شامل ۵ چشمه ) و محراب در چشمه محوری قرار گرفته باشد .  
( ۳ ) ایوان طاق طاقی یا چفته‌ای

نشان میدهد که هیچ یک از این دیوارها در هیچ عصری بطور وسیع بسمت خارج بسوی یک جلوخان وسیعی باز نبوده است . در اینجا توضیحی قابل قبول آورده میشود : قصبه‌ها یا دهکده های محصور قدیمی هنوز بتعداد قابل ملاحظه وجود دارد و اغلب دیده میشود که چنین قصبه‌هایی بر روی قله باریکی مستقر گردیده و در اطراف آنها دیواری ضخیم کشیده شده است بنابراین در داخل حصار فقط فضای قلبی باقی می ماند .

بالتیجه بسبب قلعه های انباری مراکش ، پس کوچه های تنگ و راهپله های عمیق ارتباطی طبقات مشرفه بر یکدیگر تنها راه حل عملی را تشکیل میدهد (۴) . برعکس بر روی زمینهای مسطح محوطه قصبه فقط بوسیله حصارهای دفاعی محدود میشود . فضای داخلی علاوه بر سربازخانه و مساکن روسای قوم و مردم واصطبلها و انبارهای وسیع شامل فضاهای بزرگی جهت حرکت و چهارپایان و باغستانها می باشد .

در حال حاضر ساکنین مسلمان شاپورآباد عاری از میدانگاه های مناسب برای ادای نماز در فضای آزاد نیستند ، اما چون وضع اقلیمی محلی دهکده بسیار سخت است : آفتاب سوزان ، بادهای سرد منجمدکننده و مخصوصاً " فراوانی طوفانهای شن باعث شده که اهالی دریابند که این تالار بسته پناهگاه گزیده و خوبی را برای عبادات آنها فراهم میسازد . بنابراین دیگر آنها را نساختند .

اگر دوباره سری به دهکده قهی بز نیم در می یابیم که در آنجا در هر محله مسجدی است که همگی از روی گرته مسجد شاپورآباد طرح ریزی شده است . این مساجد عبارتند از شبستانهایی که بوسیله جرزهای ستون مانند زمختی که حامل قبه های روستائی است به دو چشمه تقسیم شده اند . نسبت دادن تاریخ دقیقی به

این بناها دشوار است . معذک از میان آنها دو بنا را می توان بزمانهای اولیه نسبت داد و همین امر میرساند که این ابنیه سنتی چقدر فراوان بوده اند .

نزدیک روستای تیجن بفاصله کمی از گلپایگان ، در مسیر بزرگراه بغداد در دامنه تپه های قبرستانی کهنه قرار دارد . در میان قبرها سکویی است که زیر بنای آن از سنگهای بزرگی که بطور خشتی تراشیده شده تشکیل گردیده است بر روی این سکو منبر عجیبی وجود دارد که از سنگ یک پارچه تراشیده شده است (شکل ۱۸) (لوحه 4B) . نزدیک این منبر ابتدائی محرابی وجود دارد که از روی سبک تزئین آن تاریخ آن به قرن ۱۳ میلادی میرسد . خود مسجد از میان زفته است و مطابق کرانه و محیط سکو مسجد بصورت تالاری چهار گوش بوده است . بنای مسجد از گلس ساخته شده و دارای بامی مسطح بوده که بر روی تیرها و ستونهای چوبی قرار داشته است ( بدون شک ۶x۸ ) . بطور کلی این مسجد بنائی کوچک و بسیار کلاسیک بوده که در یک محیط روستائی که چوب آسان بدست می آید بنائی معمولی و متداول بوده است .

نزدیک روستائی که اکنون شهر اشکوند را تشکیل میدهد یک ساختمان کوتاه و جسیمی است که شبستان مسجد نوع " C " را تشکیل میدهد ( بعداً مورد بررسی قرار خواهد گرفت ) . این بنا شبستانی است منقسم به سه چشمه که هر یک از آنها با سه گنبد کوتاه پوشیده شده و محراب مسجد در دیوار عقب چشمه محوری واقع شده است . این بنای کوچک در آغاز مسجد مستقل این شهر را در حدود سه قرن ( در حدود قرن چهارم هجری مطابق قرن دهم میلادی ) پیش از بنای مسجد مجللتر مجاور آن

۴) قلعه های انباری مراکش نوشته Houte Etudes Maracaines D.J.Jaques Menie

یک روستای کاملاً " مشابه به بنام خوار هنوز در کنار جاده مورچه خورت و نطنز ، نزدیک نظام آباد وجود

دارد .

در مرکز قصبه اخند ( که اکنون مساجد مشروحه جمعه و سعادت در آنجا واقع شده ) مسجدی دیده میشود مشتمل بر شبستان ستون دار قابل ملاحظه‌ای که فرصت توصیف آن را بدست نیاورده‌ایم این شبستان شامل چند چشمه‌مازی است که با تعدادی گنبد پوشیده شده و آنطوریکه بنظر میرسد قدمت بنای آن از قرن دهم هجری تجاوز نمیکند .

خلاصه باید گفت نمونه‌های اصلی این تالارهای ایرانی پیش از اسلام چه کوچک چه بزرگ خواه پوشیده با بامهای مسطح یا طاق بهترین باز مانده‌هایی هستند که با وجود اینکه از آنها استفاده مذهبی بعمل آمده است هرگز به نفوذ عرب مدیون نمی‌باشند .

### مساجد ایرانی از دسته " C "

زاینده رود از جمله رودخانه‌های واحه ای آسیای مرکزی است که دو ساحل آن با کشت زارها و بوستانها و بیشه‌زارهای پیوسته بهم پوشیده است و در میان آنها روستاهای متعددی بزندگی خود ادامه میدهند و این منطقه شامل ویرانه‌های تاریخی بسیاری است . خرمی و زیبایی این ناحیه روستائی که مورد ستایش حمدالله مستوفی در قرن هفتم هجری ( قرن چهاردهم میلادی ) قرار گرفته بیش از امروز توسعه داشته است . آبادی قابل ملاحظه ولی زودگذر این ناحیه باعث تشکیل چند مرکز جمعیت شد ( ۵ ) که اقامتگاه نجیب زادگان روستائی بوده که بانی موقوفه‌های متعددی بوده‌اند . در میان این مراکز اشکوند و سرشت یادراوند در ۱۸ کیلومتری اصفهان که اکنون در حال انحطاط بسر می‌برند ویرانه‌های بسیاری بجای گذاشته‌اند .

اشکوند که گرته آبادیهای آن بر روی صحنه بر روی دو محور

اصلی کاملاً " مشخص است شامل حمامها و کاروانسراها ، بازارها و مسکن آبرومند و لاقل ده دوازده مسجد است . در میان این بناهای اخیر چهار مسجد وجود دارد که با وجود زبان جبران ناپذیری که موربانه متوجه آنها ساخته باندازه کافی دست نخورده باقی مانده اند که بتوان طرح آنها را برداشت . چون مدت‌های مدیدی این مساجد متروک مانده نام آنها از خاطرها زدوده شده است . مساجد A و B نزدیک یکدیگر در کنار معبدی که سابقاً "

سرپوشیده بوده قرار گرفته است و یک کوچه باریک و جای یک ساختمانی که حیاطی بزرگ داشته آن دو را از یکدیگر جدای می‌سازد . این دو بنای عالی با طرح ماهرانه که بدون شک هر دو کار یک استاد هست بسیار جالب توجه می‌باشد ( شکل‌های ۲۰ و ۲۱ ) . چنانچه محرابهای این دو مسجد مذهبی بودن این دو بنا را تصدیق نمی‌کرد با سانی آنرا با اقامتگاههای بزرگان اشتباه میکردند . نقشه این دو بنا با مسکن قدیمی ایرانی مناطق گرم مثلاً " مانند اقامتگاهی که در همان زمان ( قرن هشتم ) جزو مجموعه رباط سلطان است مطابقت دارد .

تصور میرود این اماکن عبادت که کمتر برای تجمع عده‌ای کثیری بنا گردیده بیشتر برای آموزش بکار میرفته است چه عصری که بناهای مذکور ساخته میشده احتیاج مبرمی به علمای دین داشته است .

هر چند مساجد A و B ( نوع C بعداً " مورد بررسی قرار میگیرد ) متاخرتر از احداث نوع مساجد چهار ایوانی سلجوقی است ( زواره در ۵۳۰ هجری ) ولی در هیچ چیز مدیون آنها نیستند بلکه از روی حیاطشان با بناهای غیر مذهبی پیش از اسلام مانند بناهای نساو آسور و بیشاپور و تیسفون قابل مقایسه

( ۵ ) منشاء و تاریخ این مرکز تجمع بسیار مبهم میباشد . انحطاط این منطقه بزرگ را چند علت مانند از هم گسیختگی قدرت مرکزی ، از میان رفتن بزرگان محلی هنگام جنگهای خاندان مظفری ، بالا رفتن میزان نمکهای معدنی بر اثر بیماریهای بی حد و بالاخره هجوم متوالی آفت‌های بزرگ موجب شده است .

می‌باشند .

در فاصله چند قرن که این بناهای باستانی را از ایینه<sup>۶</sup> اشکوند جدا می‌سازد این نوع ساختمانهای غیر مذهبی به زندگی خود ادامه داده‌اند . بناهای مذکور با دارا بودن جنبه عملی برای تجمع عمده کمی از مومنان جهت اجرای مراسم دین خود در تحت نظر یک معلم کاملاً<sup>۷</sup> مناسب بوده است .

مسجد B ( شکل ۲۰ ) شامل دو بخش متمایز هم عصر میباشد . بنای عمده از یک حیاطچه مرکزی ( ۷/۲۱×۷/۲۱ متر ) . ترکیب یافته که در هر طرف آن چهار ایوان مساوی بعرض ( ۵/۱۱ متر ) قرار دارد ایوان جنوبی عمیق تر میباشد . این ایوان حاوی محراب است ( لوحه ۵ B ) و طاقش از طاقهای ایوانهای دیگر بلندتر است . در هر طرف این ایوان عمده تالاری مستطیل شکل ( ۴/۰۳×۳/۲۴ ) قرار دارد .

چسبیده باین بنا تالاری وجود دارد که با نه قبه پوشیده شده و بعنوان شبستان زمستانی بکار میرود ( نوع G و B ) راه ارتباط آن از طریق دهلیزی که بایوان ورودی باز میشود تامین میگردد .

مسجد " A " ( شکل ۲۱ ) با وسعت بیشتری بر همان اصول مسجد " B " احداث گردیده است . بنای اولیه مشتمل بر حیاطی ( متر ۱۵/۰۴×۱۲/۹۰ ) است که با حوضی از آب جاری زینت یافته . نمای داخلی با چهار ایوان محوری که در طرفین آنها رواقهای جانبی است مشخص گردیده است . ایوان اصلی که دارای عرضی معادل ۹/۲۲ متر است ( باندازه ایوان ورودی ) محراب رادر بردارد ( لوحه ۵ ) . اگر از این ایوان بالابرویم به یک دهلیز بر میخوریم که روی ایوانها و تالار دیگر قرار دارد . در دو طرف این ایوان محوری دو شبستان و دو دهلیز وجود دارد که دارای همان عرض ساختمان میباشد .

(۶) رجوع شود به راه های اصفهان

در سمت شمال غرب یعنی در آن سوی کوچه‌ای که سابقاً<sup>۸</sup> سرپوشیده بوده این مسجد درست بعد و یا شاید قبل از خاتمه<sup>۹</sup> کار ساختمان دستخوش دستکاریهایی شده است . در آنجا دهلیزی که با یک نورگیر پوشیده بوده و یک حیاط کوچک وجود داشته ( بعد ها این قسمت به حیاطی تبدیل گردیده ) است . این عناصر معماری از یک طرف بوسیله تالاری با یک حمام ( که بتازگی ویران گشته ) مرتبط شده و از طرف دیگر احتمالاً<sup>۱۰</sup> با یک رشته آبریز و آب انباری که بصورت گودالی باقی مانده راه می‌یافته است . بعداً<sup>۱۱</sup> یک ورودی دیگر که دارای ایوانی بود و یک تالار کوچک هشت گوش و یک شبستان زنانه در سمت شرق اضافه گردید .

مسجد " C " دره ۲۵ کیلومتری آبادی واقع است و راه شمالی و جنوبی عمده اش که از پل چوم می‌آید تشکیل یک مجموعه کوچک آثار قدیمی را میدهد . در حاشیه یک راه فرعی مسجدی شبستان مانند یافت میشود که قبلاً<sup>۱۲</sup> ارائه شد . در پشت این بنا تپهای باستانی است که چند متر بر آن مشرف میباشد . شکم این تپه را شکافته اند تا کمی پائین تر از آن جلوخانی بوجود آید و قلعه<sup>۱۳</sup> آنرا برای احداث بنای جدیدی مسطح ساخته‌اند ( لوحه ۶ A ) . این بنا مسجد یا قبرینه‌ای بود که حیاط مختصری داشت ( ۶/۲۵×۵/۶۷ متر ) علاوه بر ایوان ورودی که در این حیاط باز میشد دو ایوان جانبی دیگر نیز وجود داشت . همچنین بسوی جنوب دهانهای در یک طاقتمنا تعبیه گردیده بود که به مقصوره راه مییافت . این مقصوره تالار چهار گوش است که با گنبدی پوشیده شده و تاریخ آن به قرن چهاردهم میلادی میرسد ( لوحه ۶ B ) ( ۶ ) دو شبستان در طرفین این مقصوره و دو شبستان کوچکتر دیگر در اطراف ایوان ورودی وجود داشته است ( شکل ۱۹ - ۲۱ و ۲۲ ) مدتی پس از احداث این مسجد که ضلع غربی آن بر اثر

باران صدمه دیده بود در زمان صفویه مورد تعمیر قرار گرفت .  
تعمیر مذکور وضع مسجدا را دستخوش تغییراتی ساخت بدین طریق  
که ضلع غربی درازتر گردید و تالاری کوچکتر جانشین تالار طرف  
راست مقصوره شد . ورودی جدیدی در نمای غربی ایجاد شد و  
ورودی اولی را که در شمال مسجد قرار داشت مسدود ساخته و  
در این ضلع یک تالار دو طبقه احداث کردند . این تالار دیوار  
خلفی حسینیهای را تشکیل میداد . برای استفاده از این حسینیه  
تماشاگران پایین بر روی جلوخان قرار میگرفتند .

پیش از رها کردن این بناهای عجیب ملاحظه خواهیم کرد  
که در همان عصر مغول مسجد سلجوقی بیسیون (۷) که به خانواده  
چهار طاقیها تعلق دارد . گنبد آن همراه یک مناره بر روی یک  
بلندی کوچک بر پا شده است .

جلو این اثر جالب بقایای یک حیاط مخروبه بیرونی مغولی  
وجود دارد که با خشت خام ساخته شده است . دو نمای جانبی  
آن از دو ایوان ترکیب یافته که دارای صفه بلندی (Tribune)  
(۸) میباشد . در طرفین ایوانها طاقنماهای کوچک و راهروها و  
پلکانهایی وجود دارد . این اثر معماری انسان را بیاد یک بنای  
نمایشی در کنار یک مسکن اعیانی می اندازد .

### مساجد خانواده " عرب "

بناهایی که تاکنون بذکر آنها پرداختیم همگی از خانواده  
ایرانی هستند که در آغاز بسیار ساده بوده و سرانجام با الحاق  
عناصر دیگر ایرانی و چند عامل خارجی پیچیده تر گردیده اند .  
بناهایی که اکنون بتوصیف آنها می پردازیم با الهام از

بناهای مهمی که با مصالح محلی در ایران در عهد خلفای عباسی  
ساخته شده بود احداث گردیده است . بنابراین آنها از شیوه  
معماری اسلامی که از این پس در سرزمینهای خارج از ایران اتخاذ  
گردیده نشأت یافته است . لزومی ندارد که بخاطر آوریم که  
اصفهان دارای یکی از این مساجد بزرگ بوده و یزد نیز بقایای  
یکی از این نوع مساجد را حفظ کرده است ( شکل ۴ ) ( لوحه ۸  
A, B ) .

در حاشیه جنوبی کویر مرکزی ایران در فاصله بین یزد و  
کاشان که پیش از حمله مغول بسیار پرجمعیت بوده نمونه هائی  
از این نوع مسجد وجود داشته است . لذا بسیار طبیعی است که  
نمونه های کوچکتر آنها در روستاها بیابیم که بواسطه استحکام  
بنا خوب حفظ شده باشند .

مسجد جمعه . سرشت یاداران که سابقاً " قریه مهمی بوده با  
صداقت کامل طرح ریزی شده است ( شکل ۲۳ و ۲۴ ) . این مسجد  
اساساً از یک حیاط شمالی جنوبی ( ۱۱/۶۰ × ۱۳/۰۱ ) ترکیب  
یافته که اطراف آن چهار رواق قرار داشته و اکنون از آنها سه  
رواق باقی مانده است . رواق چهارمی که در سمت شمال قرار  
داشته در عصر صفوی تجدید بنا گردیده در حقیقت با عمق  
کمتری شبیه رواق غربی بوده است .

هریک از نماهای حیاط ، سه طاقما دارد و مشاهده میشود  
که در محور ضلع جنوبی طاقنمای عربی تری ( ۴/۰۲ ) است که  
در واقع ایوان بزرگ و اصلی مسجد را تشکیل میدهد . از این  
ایوان بزرگ محراب که بر روی ضلع جنوبی شبستان تعبیه گردیده

(۷) مقایسه شود با کتاب " Art de l'Iran " صفحه ۲۴۳ شکل ۲۱۴ " برسیان "

نوشته Smith در Ars Islamica جلد ۴ صفحات ۱ - ۷ اسم این محل با شکل برسیان

و برسیان ذکر شده ولی ما تلفظ محلی را اتخاذ کردیم .

(۸) واژه تریبیون در لغت فرانسه هم بمعنای سکوی بلند و هم بمعنای منبر است در هر صورت محلی

است که از آنجا به ایراد وعظ و سخنرانی می پردازند .

مشاهده میشود . این محراب طاقچهء مستطیل شکلی است که عمق آن مسطح و شکلش قدیمی و جهت آن با جهت قبله مطابقت ندارد . در همین اواخر این اعوجاج محراب را با حفر گودالی در راستای صحیح قبله جهت قرار گرفتن امام نماز جماعت تصحیح کرده اند . زاویه جنوب شرقی بنا که محل تلاقی دو رواق بزرگ است دوبار مورد دستکاری قرار گرفته است .

در حقیقت بررسی و تحلیل دقیق قسمت‌های مختلف بنا نشان میدهد که ایوان تدفینی سلجوقی که از خارج ( زاویه جنوب شرقی ) نمایان است ( لوحه ۹ ) نخستین تغییری نیست که در بنا بعمل آمده است : قبلاً " دستکاری دیگری پس از ویرانی زاویه دو رواق شرقی و جنوبی انجام گرفته بوده است ( ۹ ) .

از روی این قرینه‌ها می‌توان تاریخ بنای اصلی را تقریباً " به فاصله بین اواخر قرن دوم و اواسط قرن سوم هجری ( قرون ۹ و ۱۰ میلادی ) نسبت داد . پس از مدت مدیدی که بنا در دورهء سلجوقی بهمان وضع باقی مانده بود در زمان صفویه قسمت شمالی آن برداشته شد و با احداث یک ایوان بزرگی که اکنون فرو ریخته با دهلیزی و سردر زیبایی در اطراف آن مورخ بسال ۹۷۶ هجری ( در زمان سلطنت شاه طهماسب ) و حمامی که در حال حاضر بصورت گودالی در آمده این معبد قدیمی را تجدید بنا کردند .

احتمال دارد که ورودی بنای اصلی در طرف شمال در جای ایوان بزرگ شاه طهماسبی قرار داشته و در بی که مسدود گردیده و اثر آن در داخل و خارج دهلیزی شرقی دیده میشود ورودی دومی بوده و با یک مدخلی مربوط بزمان دیگری بوده است . سبک معماری مسجد جمعه قمصر دهکده‌ای کوهستان واقع

در جنوب شرقی کاشان که بخاطر گل سرخ و طراوت هوایش مشهور میباشد کاملاً " روشن و واضح است ( شکل ۲۵ ) .

طرح آشکار و روشن این بنا کاملاً " با مسجد جمعه سرشت یادران قابل مقایسه است لیکن خود بنا بیشتر جنبهء روستائی دارد . بدون شک بیم از زلزله باعث ضخامت بیش از حد دیوارها گردیده است .

چهار نمای یک حیاط مرکزی (  $11/00 \times 11/00$  تقریباً ) هر یک دارای سه طاقنماست ( لوحه ۱۰ A ) ( چند سال پیش یکی از نماها فرو ریخته است ) . در سمت جنوب و شرق در پشت پیلپاهای زمخت یک رواق اولیه قرار دارد که در عقب آن رواق ثانوی بزرگتری واقع شده است .

از سوی غرب در یک دهلیز یا رواقی نظیر رواقهای دیگر ورودی بنا در یک هشتی مشرف به کوچه‌ای باز میشود نزدیک این ورودی پلکانی و دو سکو قرار دارد . در کنار کوچه جوی آبی جدول بندی شده میگردد .

محراب بصورت طاقچهء ساده‌ای محصور در یک نوار برجسته خفیفی در محور رواق جنوبی مقابل طاقنمای محوری که عریض‌تر از رواقهای دیگر است دیده میشود (  $2/74$  بجای  $2/30$  ) . بسیاری از طاقهای اصلی بصورت آهنگهای خاکی شکل در بخش شمالی محفوظ بجای مانده است . در داخل ساختمان جنوبی تمامی گنبد های خاکی شکل بسیار روستائی بصورت حلقه‌های پی در پی بسبک ساسانی بر روی ترمپه‌ها قرار گرفته است .

این شکل‌های معماری که قدمت آنها به بناهای یزدخواست و یاشاپور آباد میرسد و جهت نادرست محراب و خود بنا حکایت از باستانی بودن اثر میکند با جرات بیشتری می‌توان تاریخ بنا

۹ رجوع شود به راه‌های اصفهان ، دهکده‌ای که توسط یک قنات بر آب مشروب میگردد ویرانه‌های

چندین مسکن غنی را در بر دارد یکی از این مساکن با نقاشیهای دیواری شیوائی تزئین یافته که تاریخ آنها به قرن پانزدهم میلادی میرسد .

راه نیمه دوم قرن دوم هجری منسوب داشت و افزود که احتمالاً " این اثر تاریخی ممکن است در محل یک معبد قدیمی ساخته شده باشد .

و نداده روستای کوچکی است که در کنار یک راه قدیمی که اصفهان راه دلیجان مرتبط میسازد واقع شده است . ساکنین این دهکده که سابقاً " بیشتر بوده اند غالباً " به کار باغداری میپردازند . این محل که توسط مغول اشغال گردید ( مغولان شهرسازی این دهکده را بصورت شطرنجی تجدید بنا کردند ) برای قرون متمادی نیمه زردشتی باقی ماند بهمین سبب درست در وسط آن معبد عجیبی مربوط باین آئین دیده میشود که در قرن شانزدهم میلادی ( در عصری که زردشتیان مورد آزار قرار میگرفتند ) بصورت امامزاده دوازده امام درآمد ( ۱۰ ) . بفاصله کمی از این بنا مسجد جمعه قدیم دیده میشود که وضع معماری آن هنوز با وجود تغییراتی که بمناسبت تغییر شکل معبد در آن ایجاد شده کاملاً " روشن و آشکار میباشد ( ۱۱ )

در شکل بندی اساسی طرح این بنا دارای همان خصوصیات دو بنای ما قبل است ( شکل ۲۶ ) .

در اطراف یک حیاط  $۱۳/۸۰ \times ۱۱/۰۰$  هر جنبه شامل سه طاق بندی است . نماهای شمالی و جنوبی به دو رواق راه دارد که در رواق جنوبی محراب مسجد در راستای محور کوچک حیاط در مقابل طاق بندی مرکزی واقع شده است . جنبه شرقی در قرن شانزدهم بازسازی گردیده است .

دنبال تجدید بنای تمام این قسمت مسجد در محل یک رواق بعرض رواقی که محراب را در بر دارد تا شبستانی که یکی

برفراز دیگری واقع شده ، یک سبک معماری بسیار عالی ساخته شده . جنبه غربی حیاط جزوهای اولیه خود را حفظ کرده ولی همه بخشی که رو بکوچه دارد ویران گردیده و بجای آن یک هشتی بزرگ مطابق سلیقه زمان خود برپا گردید . چون قسمتهای فوقانی این ورودی باشکوه ناپایدار بوده و فرو ریخته ، بجای آن سباباتی ساده و محقر ساخته شد .

از روی بقایای اولیه این بنا و برحسب آنچه دربارهٔ مساجد جمعه سرشت یاداران و قصر میدانیم ( شکل ۲۷ یک تصویر ساده با قید احتیاط از حالت اولیه این اثر را ارائه میدهد ) تعیین تاریخ قطعی احداث این بنا بسیار دشوار است . در این ناحیه مساجد کوچک از این نوع در ازمنه پیش از قرن پنجم هجری ظاهراً " زیاد بوده است . این مسجد که از روی فن ساختمانیش بنظر ما از دو بنای قبلی کمی تازه تر است امکان دارد در اواخر قرن سوم یا نیمه اول قرن چهارم هجری ( قرون ۹ و ۱۰ میلادی ) ساخته شده باشد .

## آثار دیگر

اکنون به پایان این سیر باستانشناسی محدود به قرن چهاردهم میلادی رسیده ایم . پیش از نتیجه گیری باز هم نظر خود را به مساجد دیگر این ناحیه که شاهد بعضی تحولات بوده اند متوجه سازیم .

در حومه شمالی اصفهان روستای کوچک هفتشویه که ویرانههای خطرناک مسجدی مهم از آثار ایلخانی و مظفری را در بر دارد . این اثر تاریخی در سابق عنصر اصلی مجموعه از میان رفتهای

۱۰ رجوع شود به " سه بنای ناشناخته ایران باستان " نوشته م . سیرودر Iranica Antiqua

جلد سوم ۱۹۶۷

۱۱ در رواق دهلیز امامزاده که مربوط به دوره صفویه است عیناً " همان اشکال از جزرها دیده میشود که

در تجدید بنای مسجد بکار رفته است .

( حمام ، مدرسه ) را تشکیل میداده است ( ۱۲ )

جاذبه اصلی بقایای این اثر تاریخی در وجود محرابی عالی است ( تاریخ تقریبی ۷۴۰ هجری ) که علی رغم هجوم موربانه بطور معجزه آسائی محفوظ بجای مانده است ( لوحه ۱۱ ) .  
با این همه بزودی مشاهده میشود مجموعه این بنا که جای یک مسجد سلجوقی را اشغال کرده بقایای آن ( قاعده یک مناره و چندین دیوار دورواق طاق طاقی ) نشان میدهد که در این محل بنائی خیلی شبیه به مسجد جمعه اخند قرار داشته است . این بنا شامل یک مقصوره چهارطاق مانند بوده که بر روی حیاطی محاط به رواقهای طاق طاقی باز میشده که در قرن پنجم هجری ( قرن یازدهم میلادی ) منارهای بدان افزوده اند .

بازسازی بنا که کاریکی از اشراف بزرگ بوده آنرا بصورت اثری با شکوه در آورد که با مصالح زشت احداث شده باشد و گچ بریهای نفیس و نقاشی‌هایی مختلف سطوح گاه گلی ایوانهای باشکوهی را که حاوی منابری میباشد زیور بخشیده است .  
این مجموعه که بواسطه کوچه جدید و مناره و ساختمانهای واقع در سمت شمال در تنگنا قرار گرفته ناچار به حیاط قدیم بسنده کرده است . بالنسبه موقع ساختمان عدم تقارنی بوجود آورده که علت آن شبستانی است که از سوی شرق به مقصوره چسبیده است .

در آغاز ، این بنا که به مساجد جمعه قهی واخند قابل مقایسه بوده در احداث دومش مسجدی دویوانی گردید آنها در عصریکه مساجد چهار ایوانی از مدتها پیش یک کار متداولی بود .  
در منطقه زراعی کاخ ، قریه‌ای که چندان از زاینده رود دور نیست هنوز کشت زارهای آن جابجا به نشانه‌هایی از ویرانه‌های

قدیم مشخص میباشد و همین امر به کوشش کوچ نشینان عهد مغول گواهی میدهد ( شکل ۲۸ ) . از دور دریک منظره مسطح نیمرخ گنبد بنائی که در جلو آن ایوانی است بچشم میخورد که میتوان آنرا بامسجدی کامل شبیه به بنای اردبیل اشتباه کرد ( ۱۳ )  
( لوحه ۱۲ A ) .

از آن زمان چیزی باقی نمانده : هنگام عملیاتی که در سال ۱۹۶۳ برای نجات گنبدخانه از خرابی حتمی ( دو جرز شرقی بآخرین سطوح باربر تقلیل یافته بود ) انجام گرفت چند عمل جداسازی انجام گرفت . این عملیات اجازه داد تا حدود بنا و پی جرزها و بقایای دیگر پیدا شود یعنی تمام عناصری که باچنین بقایای قوسها مطابقت داشت . این اکتشافات نشان داد که جلو ایوان ساختمانهای از مصالح گلی که بعضی از مولفان آنها را بسیار قدیمی برآورده کردند وجود داشته که قسمتی از بنائی بوده که همه باهم ساخته شده بوده است یعنی در واقع مسجدی چهار ایوانی بوده که طبق نقشه‌های هماهنگ طرح ریزی شده است  
( لوحه ۱۲ B ) .

این بنا که تزئیناتش هیچگاه تمام نشد در عصر خود ( تاریخ گنبد توسط ویلبر ۷۲۵ هجری و ۱۳۲۵ میلادی ) یکی از سبکهای معماری بسیار متداول بود : پی‌های گنبدخانه ، ایوان و رواقهای جانبی با آجرهای خوب پخته ( لوحه ۱۳ A و B ) ساخته شده که با ملاتی مستحکم بهم پیوند خورده لیکن بخشهای فوقانی همین قسمتها ( بجز گنبد ) کمتر استحکام داشته ( آجر پخته در سطوح خارجی و خشت خام در مغز بنا با ملات گچ و گل ) اما راجع به بخشهای جانبی فقط به خشت خام قناعت ورزیده اند . مسجد کاج که در محل یک بنای سلجوقی ساخته شده و

( ۱۲ ) رجوع شود به راه های اصفهان

( ۱۳ ) رجوع شود به راه های اصفهان شکل ۸۱ و معماری اسلامی ایران دوره ایلخانی . شته .

مقاله Schroeder در بررسی هنر ایران

آجرهای مشخص آن دوباره در پی‌های مهتابی بکار گرفته شده خاتمه یک تحول طولانی را می‌رساند. در اینجا چهار طاقی را می‌یابیم که یک ایوان بزرگ پیشاپیش آن قرار گرفته و رواقهای طاق طاقی جانبی حیاط (که طاق مرکزی آن توسعه بیشتری دارد) همانطور که در ناحیه کوهپایه و قه‌ی مشاهده شد در اینجا نیز دیده میشود بنابراین یک نفوذ خارجی بوسیله الهام از معماری غیرمذهبی تعدیل یافته است و شکل ۲۸ این ترکیب بسیار ایرانی را که از دوران سلجوقی متداول بوده و عمومیت داشته بازسازی میکند. هر چند جزئیات مبهم و نامسلم ترتیبات بخش شمالی را بحال خود وا میگذارد. در این محل تنها چیزی که مسلم است آبریزها یا متوضائی است که راه آبهای از وجود آنها حکایت میکند.

در همان ناحیه روستائی مسجد گار است که بخاطر مناره مورخ ۵۱۵ هجریش و یک محراب متعلق به قرن چهاردهم هجری (در سال ۱۹۶۳ مورد تعمیر قرار گرفته) شهرت دارد چیزی بجز یک شبخ نیست که بدست روستائیان پاره پاره شده و تنها به دستبرده مصالحش قناعت ورزیده باشند بلکه پس از آنکه آترابه قلعه محصورى تبدیل کردند به استخراج مصالح مهتابی آن پرداختند. از روی آثار باقی مانده سه دوره متمایز در آن بنا می‌توان تمیز داد. اثر دوره سلجوقی مناره و یک شبستان که قسمتی از آن در شرق گنبد خانه بجای مانده وجود دارد. این ویرانه اخیر (یعنی شبستان) که به گنبد خانه قرن هشتم هجری (قرن ۱۴ میلادی) بدون هیچ اتصالی چسبنده ثابت می‌کند که در دوره سلجوقی یک چهارطاقی دیگر وجود داشته است. گنبدخانه از دوران مغول (قرن هشتم هجری) است از دوره مغول (قرن هشتم هجری) این قسمتها باقی مانده است: گنبدخانه یا مقصوره، چند بدنه دیوار جلو مقصوره و بقایای قوسهائی که

بازسازی یک ایوان را در میان دو تالار در سمت مشرق حیاط که متعلق به یک رواق از بین رفته میباشد، سرانجام و احتمالاً از آثار اواخر این دوران آشفته یک دیوار ضخیم مجهز به برجهای کوچک در زوایا که تمام آثار را در بر میگرفته باقی مانده است. این بقایا برای اقدام به یک بازسازی قابل قبول بسیار اندک است معذالک همین بازمانده ها نشان میدهند که این بنای قرن هشتم هجری بتمامه جانشین یک مسجد باستانی که کاملاً شبیه مساجد قه‌ی و اخند بوده گردیده و عیناً آنرا تقلید کرده است. در دوره سلجوقی دو شبستان در دو طرف چهارطاقی و یک مناره خارجی ساخته شد که هنگام تجدید بنا در عصر مغول آنها را شایسته حفاظت دانسته بجای گذاشته اند.

دردشتی که همچنان در ساحل زاینده رود قرار گرفته گنبدخانه مسجدی (۱۴) بجای مانده که نزدیک آن مناره‌ای برپا بوده که در سال ۱۹۱۵ ویران گردیده است. در اطراف تالار زیر گنبد (ویلیبر تاریخ آنرا ۱۳۲۵ میلادی ذکر کرده) آغاز قوسهائی آماده برای دریافت طاقهائی بدون هیچگونه ابهام نشان میدهد که قصد داشته‌اند مانند آنچه در کاج انجام گرفته شبستانهای جانبی احداث کنند نظیر این برنامه انجام نیافته که میخواستند مسجدی بجای مسجد سلجوقی بسازند بفاصله کمی از این محل یعنی در ازیران نیز دیده میشود.

در این محل گنبدی تحسین آمیز (مورخ نیمه دوم قرن ۱۴ میلادی) یافت میشود که در جلو آن ایوانی است و سابقاً در طرفین آن دو رواق وجود داشته که در سمت شرق چند اثر از آن دیده میشود.

از روی معماری رواقهائی که در اطراف حیاط (عرض این حیاط ۹/۱۰ متر است) قرار گرفته‌اند می‌توان استنباط نمود که عرض هر یک از رواقها ۳ متر بوده است.

(۱۴) رجوع شود به کتاب ویلیبر و راه‌های اصفهان.

بطور تحقیق می‌توان گفت که ابنیه واقع در کاج و دشتی و ازیران در آخرین شکل معمولی خود ساختمانهای شبیه بهم بوده و همگی دارای این خصوصیات بوده‌اند: چهار طاقی محراب دارای ساختمانی مستحکم و شبستان‌ها دارای وضعی متوسط و رواقهای حیاط صاحب وضعی اسف انگیز بوده است. این ویژگیها میرساند که معمار همه یک فرد بوده که احتمالاً "بنائی دیگر را که دره ۳۰ متری ازیران واقع و کلا" ویران گشته نیز همساخته است

### نتیجه

از چند اثر روستائی گوناگون و واقع در یک منطقه که ما به ارائه آنها پرداختیم نمی‌توان نتیجه گیری کلی بعمل آورد معذالک نکات زیر را مشهود میسازد:

در وهله اول این آثار آنچه را که آندره گدار<sup>۶</sup> پیش کشیده است مورد تأیید قرار میدهد بدین معنی که وجود تمام عناصر معماری ایرانی در اواخر قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) شامل عنصر دو محور بزرگ که با چهار ایوان مشخص گشته و مساجدی را بوجود آورده که از آن پس بصورت کلاسیک در آمده و نخستین نمونه شناخته شده فعلی آن مسجد زواره میباشد (۵۳۰ هجری).

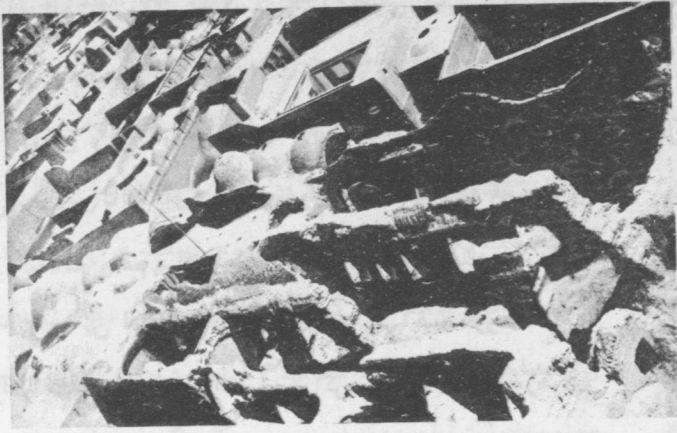
همچنین بناهای مذکور نشان میدهند که از تمام دستورالعملهای اولیه فرمول چهار طاق بر همگی مرجح گردید اما سایر فرمولها هم بهمان اندازه رایج شده البته نباید فراموش کرد که زردشتیان تنها صاحب آئینی نبودند که بدین جدید درآمدند. در اواخر عهد ساسانی جوامع دیگری مانند یهودیان و مسیحیان بودند که کم و بیش مورد تعقیب واقع شده و تعدادی از آنها آئین خود را

تغییر دادند و توانستند غیر از چهار طاق امکان دیگری را جهت اجرای مراسم دینی خود برگزینند.

"مسجد سنگ" که سر اورل اشتاین نقشه مختصر آنرا در کتاب خود آورده نمونه از آنرا نشان میدهد (۱۵) (شکل ۲۹). آثار نامبرده بالاخره نشان میدهند نوع مسجد عربی که در مدتها پیش در قرن پنجم کنار گذاشته شده بود هرگز نفوذ زیادی بر روی مساجد روستائی نداشته‌اند. آیا می‌شود گفت که این عدم محبوبیت ارتباطی بیک نوع حس بیگانه‌گریزی داشته است؟ ما باین امر اعتقادی نداریم توده‌های مردم چنانچه چیزهای محلی برای آنها مناسب بود در قید نفوذ خارجی نبودند. دولت مربوط بهم بیشتر سبب این امر بود: مسجد عربی امتیازش از نظر عمل و مصالح مدیون حجمهای وسیع است که میشود با ستونهای کشیده متعدد سقفهای بلندی را برپا داشت. این وسائل بر روی فلات یافت نمیشد. از سوی دیگر مزاج فرد گرای ایرانی حجمهای کوچک محدود و خودمانی را که با رفتار سنتیش وفق دارد ترجیح میدهد. فی الحقیقه در تحقیق مسجد عربی که در یزد بعمل آمده یک حس ناخوشایند بجای گذاشته بدین معنی که جزوهای زمخت و طاقتپاش نتوانسته است نه شکوه مسجدهای عراقی و مدیترانه‌ای را بوجود آورد و نه خودمانی بودن و صمیمیت گنبدخانه‌های ایرانی را ایجاد کند.

در وهله سوم بنظر میرسد که تا قرن ششم هجری و پس از آن مساجد چهار طاق مانند منفردی را در انتهای حیاطی میساختند. معذالک مانعی نداشت که این بناها در انتهای خود ملحقاتی ضروری نه بصورت بنای متصل داشته باشند.

۱۵) بنای بسیار شگفت انگیز مسجد سنگ یا قصر دختر نزدیک داراب که سر اورل اشتاین توصیف و نقشه آنرا میدهد احتمالاً چیزی نیست مگر کلیسای یک فرقه مسیحی. طاقتها و قوسهای آن در نوک کوه کنده شده دارای سبک متداول ساسانی است. این بنا که پیشاپیش آن دهلیزی قرار دارد بناهای صلیبی شکل بین النهرین علیا و ارمنستان را بخاطر می‌آورد



α



لوحة ۹- ایوان تدفینی سلجوقی مسجد سرشت یادران



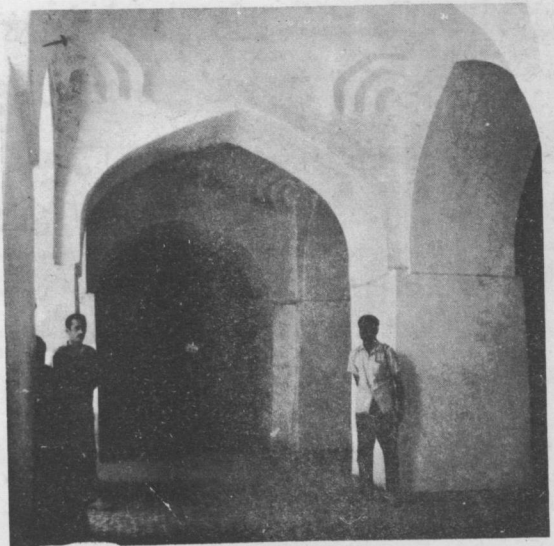
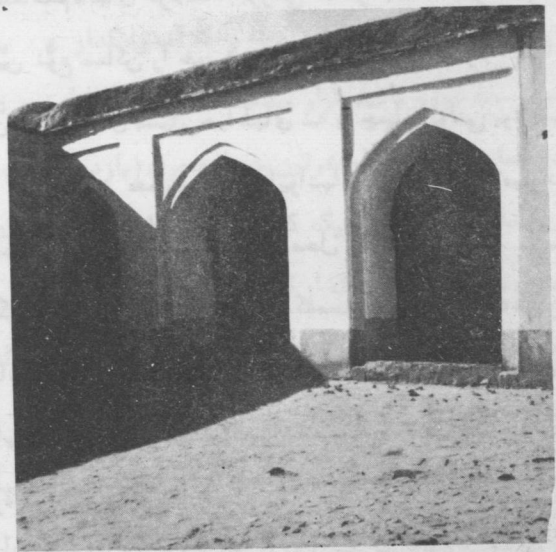
ب

لوحة ۸- یزد مسجد اولیه (α) دیده از جزرهای شرقی که از روی یک مناره گرفته شده .

(ب) جزئیات یک طاق

لوحة ۱۰- مسجد قمصر (α) نما از سوی حیاط شمالی

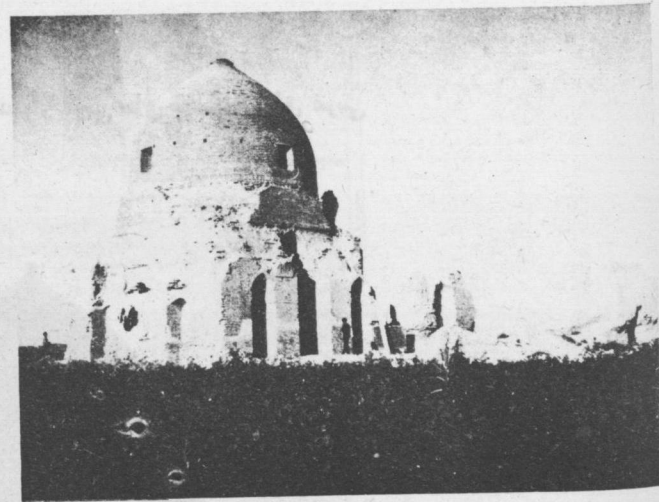
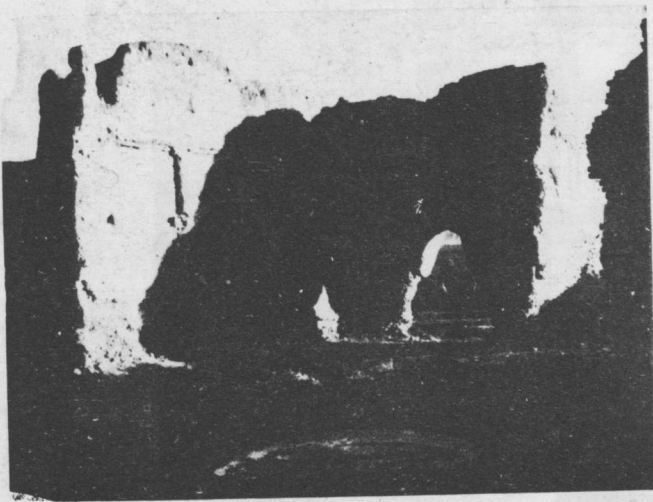
(ب) رواق جنوبی



c



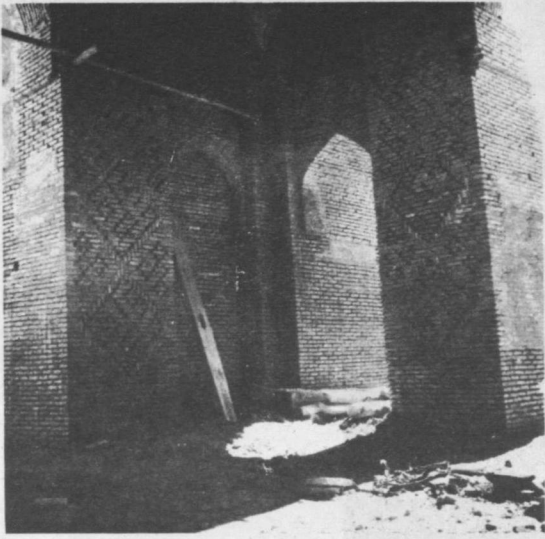
لوحه ۱۱ - بخش فوقانی محراب مسجد هفتشویه



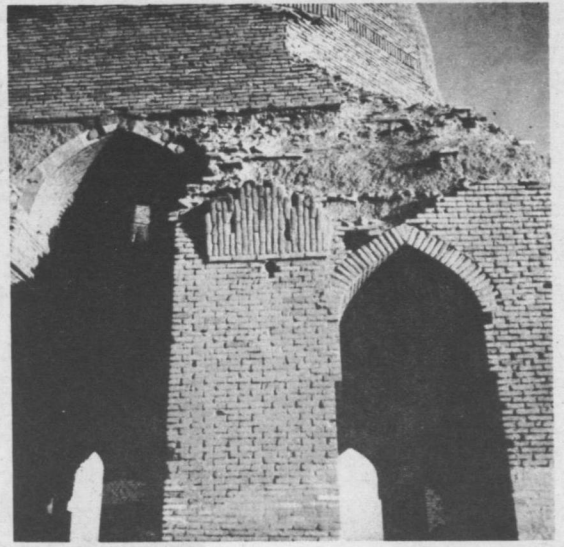
لوحه ۱۲ - مسجد کاج

b ( ایوان غربی حیاط

a ( دیدی از مجموعه که از جنوب غربی گرفته شده



a

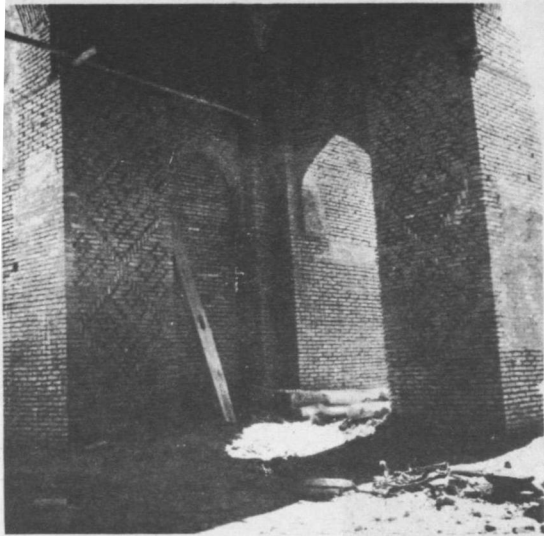


b

لوحة ۱۳ - مسجد کاج (a) زاویه شمال شرقی گنبد خانه یکی از درگاه ها برای مستحکم ساختن بنا مسدود شده است. (b) تکیهگاه قوسی از رواق جانبی غربی گنبد خانه

لوحة ۱۴ - مسجد دشتی روی دیوار غربی جای قوسهای رواق غربی





a



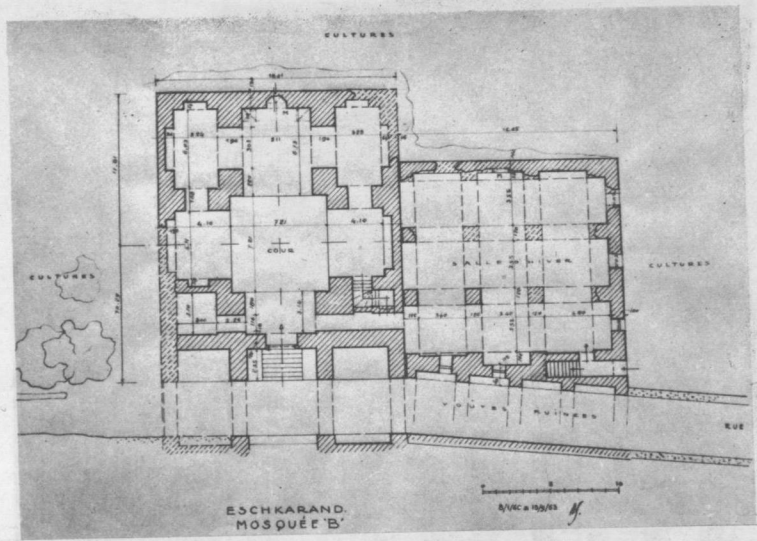
b

لوحة ۱۳ - مسجد کاج (a) زاویه شمال شرقی گنبد خانه یکی از درگاه ها برای مستحکم ساختن بنا مسدود شده است. (b) تکیه گاه قوسی از رواق جانبی غربی گنبد خانه

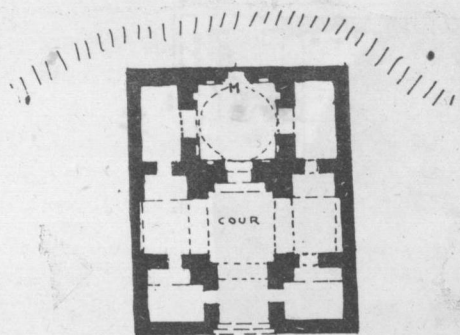
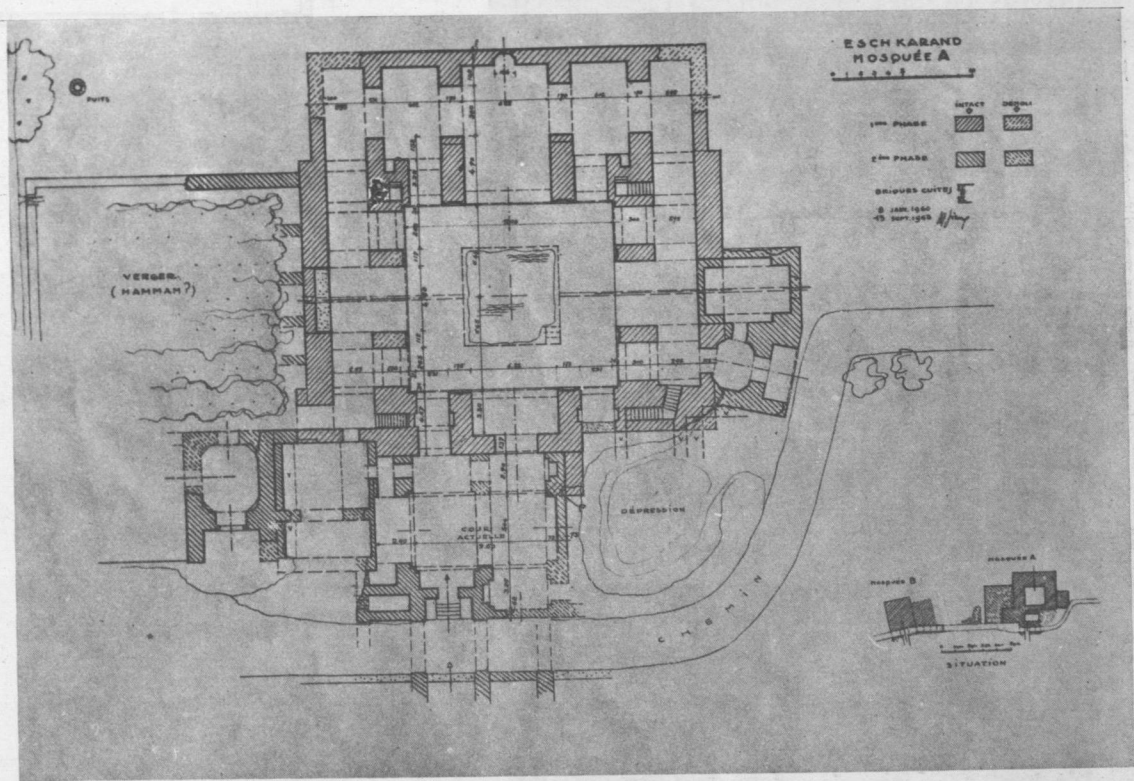
لوحة ۱۴ - مسجد دشتی روی دیوار غربی جای قوسهای رواق غربی



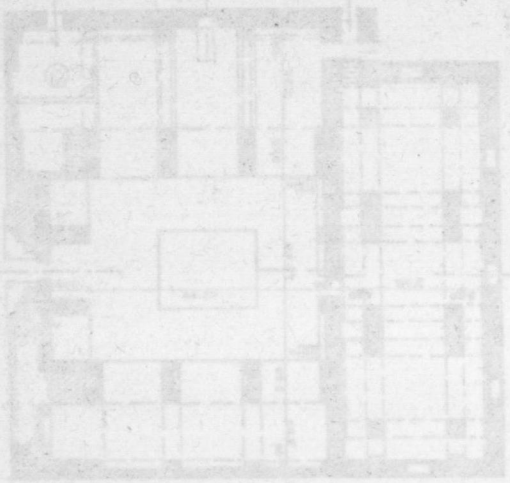
شکل ۲۰ - مسجد اشکوند ( B )



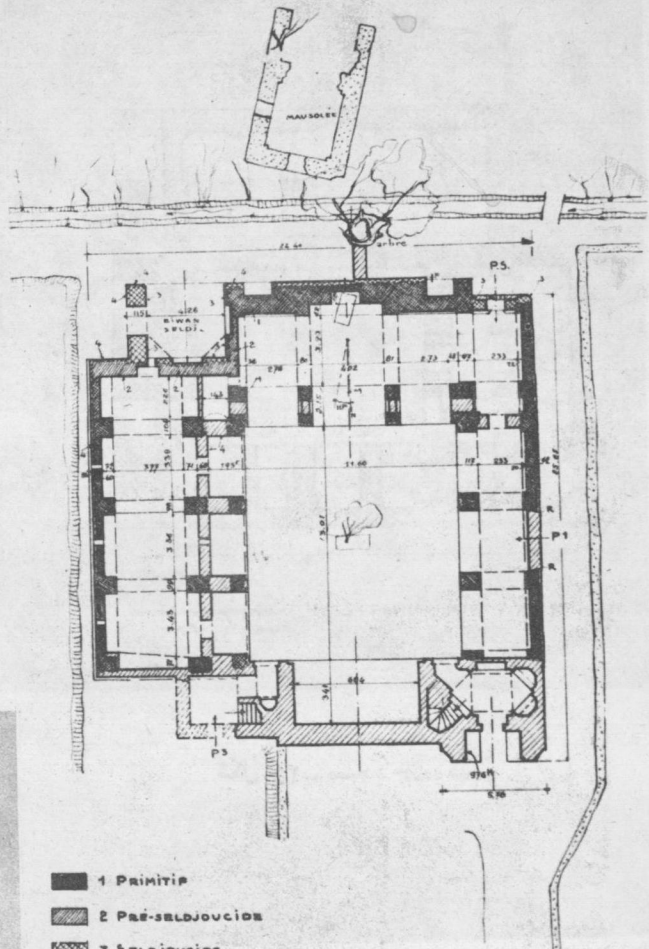
شکل ۲۱ - مسجد اشکوند ( A )



شکل ۲۲ - مسجد اشکوند ( C.I ) بازسازی



شکل ۲۴ - مسجد جمعه سرشت یادراند - بازسازی



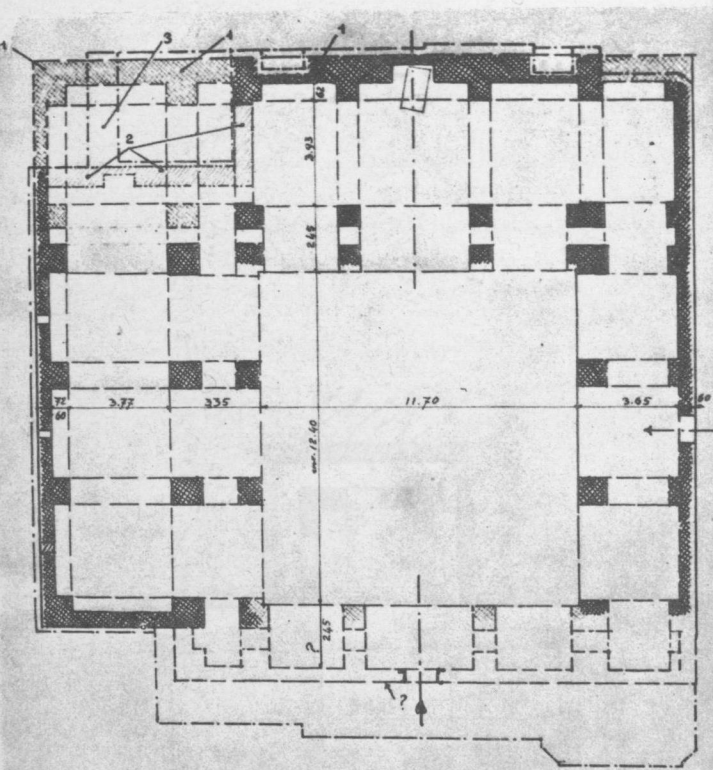
- 1 PRIMITIF
- 2 PRÉ-SELDJOUICIDE
- 3 SELDJOUICIDE
- 4 SAVAVIDE

MOSQUÉE DJUMÂ DE SÂRECHT-YADERAND

22/10/1963 H/f

شکل ۲۳ - مسجد جمعه سرشت یادراند

وضعیت در ۱۹۶۳

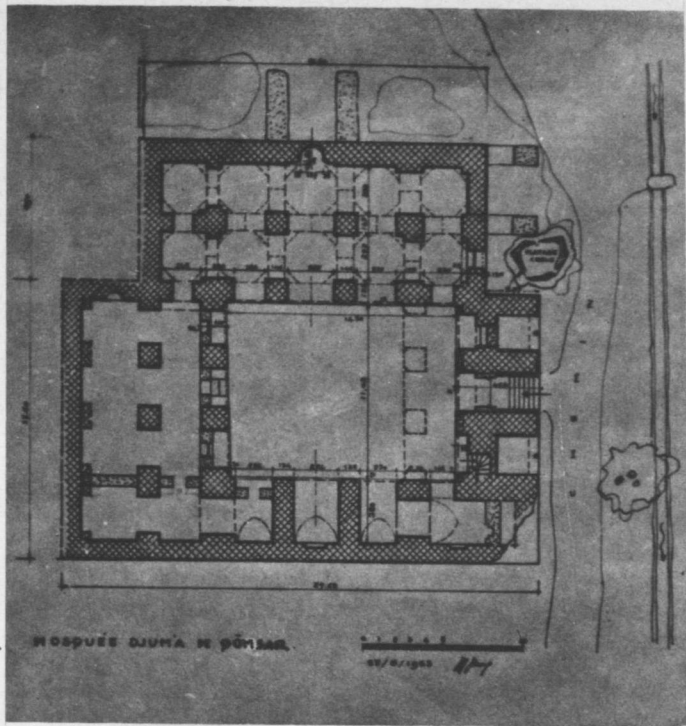


- 2 ÈME ÉPOQUE
- 1 MAÇONNERIE RESTITUÉE
- 1 MAÇONNERIE IN SITU

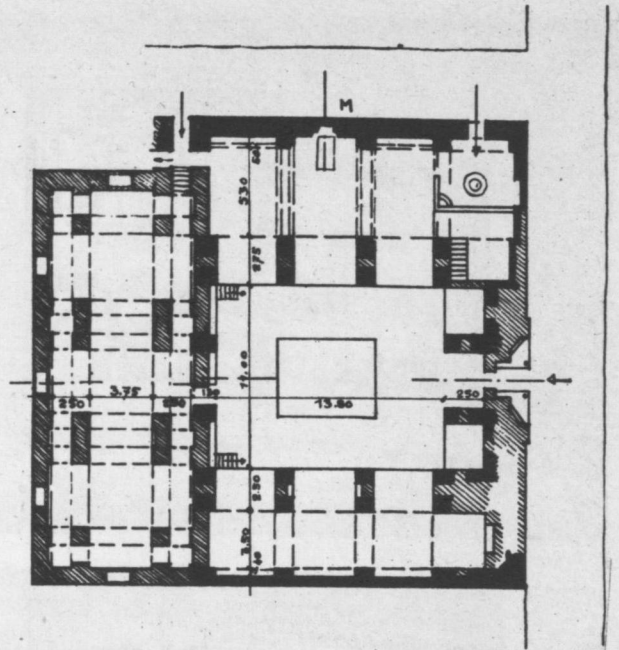
TRACÉ RESTITUÉ  
CONTOUR ACTUEL

MOSQUÉE DJUMÂ DE SÂRECHT-YADERAND  
RESTITUTION

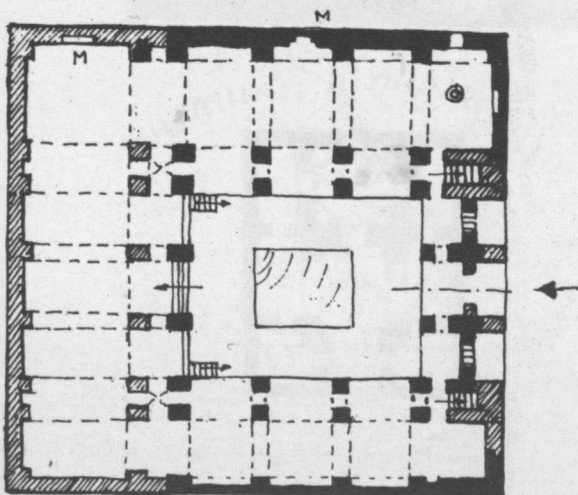
22/10/63 H/f



شکل ۲۵ - مسجد جمعه قمصر

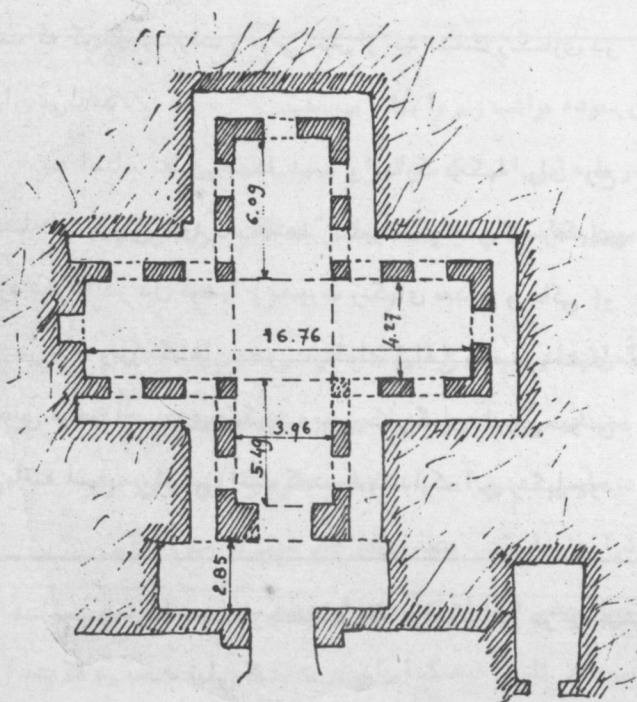
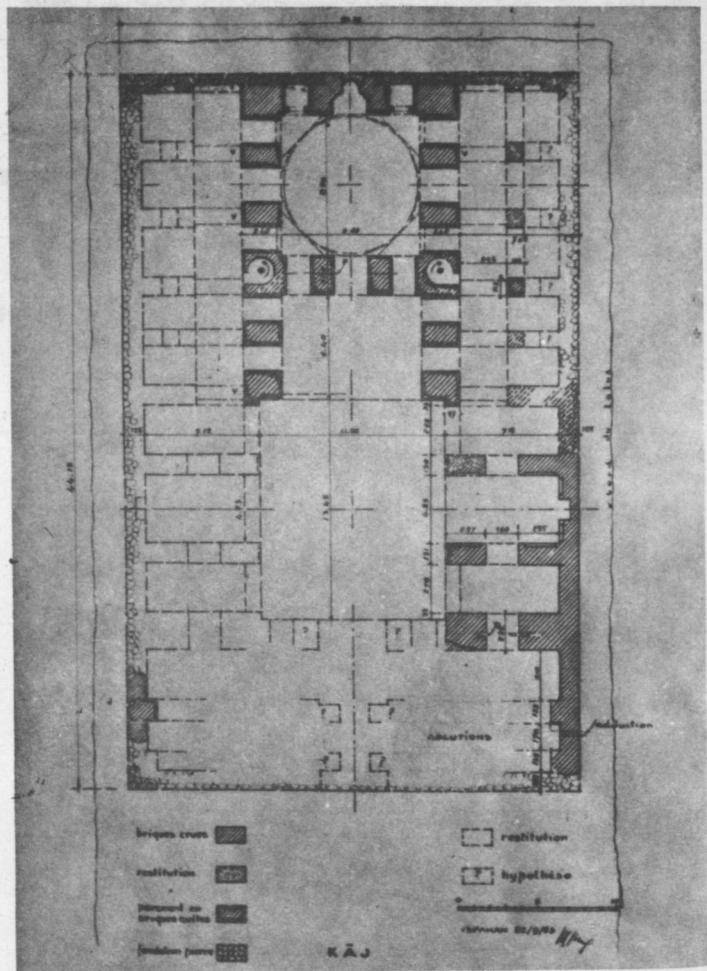


شکل ۲۶ - مسجد ونداد ده وضعیت در سال ۱۹۶۳



شکل ۲۷ - مسجد جمعه ونداد ده طرح بازسازی

شکل ۲۸ - مسجد کاج - وضعیت در اکتبر ۱۹۶۳



شکل ۲۹ - مسجد سنگی نزدیک داراب اقباس از سراورل اشتاین